

**ای خواهر مسلمان چه
کسی تو را به حجاب
امر نموده است؟**

بانضمام

رهنمود هایی به زنان مسلمانان

در مورد تبرج و بی حجابی

از شیخ محمد صالح العثیمین رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف المرسلين نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم.

خواهر مسلمان! چه کسی تو را به حجاب امر نموده است؟

تا این مقاله را نخوانده ای هرگز تعجب مکن:

دانشجوی دختری از یکی از دوستانش خواست تا برای مناقشه رساله فوق لیسانس که در حضور استادان مرد انجام میشد با او وارد جلسه امتحان شود اما دوست او جواب داد: «فلانی آیا نمیدانی که در قرن بیستم زندگی میکنیم»!!؟

❁ خانم پزشکی در یکی از بیمارستانها هنگامی که لباس پزشکی بتن کرد، از لباس حیا عریان شد، و با کشف رخسار و موی سر و کوتاه کردن دامن به این شکل جدید خوش آمد گفت: گویا اینکه از ضروریات شغل پزشکی این است که زن دین خود را بدور انداخته و لباس حیا و عفت را از تن بدر آورد.

❁ به دیدار بعضی از نزدیکان خود رفتم، آنان از کسانی بودند که حشمت و ستر و حجاب خود را حفظ می کردند. اما بیکباره راننده همانند یکی از افراد خانواده به اتاق وارد شد. و آنان نیز هیچ عکس العملی از خود نشان ندادند انگار راننده نیز عضوی از افراد آنها است.

خواهر من!

آیا فکر می کنی که این زنان می دانند چرا حجاب به تن کرده اند؟ واقع حال آنان بر این مسئله دلالت می کند که آنها بر حجاب به عنوان عادت از عادات مجتمع می نگرند که آن را از مادر با حجاب خود به

ارث برده، و در پوشیدن آن به اوامر پدرانشان که آنان را حجاب دستور می دهند گردن نهاده اند. و می پندارند که حجاب رسم و عادتی دیرینه است که باید بر حفظ آن کوشید.

آیا این زن هرگز از خود سؤال کرده است که چرا و در اطاعت از چه کسی حجاب به تن کرده است؟
پس بگذارید خودمان جواب این سؤال را بدهیم. در اطاعت از خداوندی که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾. (الأحزاب: ۵۹).

(معنی): «ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را با جلباب فروپوشند که اینکار برای شناساندن آنها بهتر بوده و در نتیجه مورد آزار و اذیت قرار نخواهند گرفت و خداوند آمرزنده و مهربان است».

آیا او نمی داند که در انجام این امر به فرمان خالق و رازقش و خالق آسمانها و زمین گردن می نهد؟ همانکسی که می داند چه چیز، خلق را هدایت می کند و چه چیزی آنان را به وادی گمراهی روان می سازد.

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (البقرة: ۲۸۴).

(معنی): «آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداوند است».

خواهر من! خالق تو خداوند یکتا است که:

﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾. (البقرة: ۱۰۲).

(معنی): «او است پروردگار شما که جز او هیچ الهی نیست و او خالق همه چیز است پس او را عبادت کنید و او بر همه چیز وکیل است».

و او است که نعمتش را بر تو ارزانی داشته:

﴿وَمَا بِكُمْ مِّن نُّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ﴾ (النحل: ۵۳).

(معنی): «و هر نعمت که شما دارید از خداوند است و اوست که سر انجام تو را می میراند».

﴿وَجَاءتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾. (ق: ۱۹).

(معنی): «و آنکه و عذاب و سختی مرگ فرا رسید. آن همان چیزی است که همیشه از آن می گریختی».

و او است که می فرماید:

﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا * وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِدًّا﴾.

(مریم: ۸۵ - ۸۶).

(معنی): «روزیکه متقیان را با عزت و کرامت بسوی خداوند رحمان می بریم و مجرمین را پیاده و تشنه بسوی جهنم می رانیم».

و حاکم و فرمانروای آن روز مهیب و هولناک او است. همانروزی که:

﴿يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى

النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾. (الحج: ۲).

(معنی): «هنگامیکه زلزله روز قیامت را ببینید هر زن شیرده، نوزاد

خود را رها ساخته و هر زن آبستنی آنچه را که در رحم دارد بیافکند. و

در آنروز مردم را مست و دیوانه وار می بینی. در حالیکه آنها مست

نیستند. اما (علت مستی آنها این است که) عذاب الله تعالى بسیار شدید و هولناک است.

و هم او است که می فرماید:

﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ * وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾. (ق: ۳۰ - ۳۱).

(معنی): «روزی که به جهنم می گوئیم آیا پر شده ای؟ و جهنم می گوید: آیا باز هم هست؟ و در آنروز بهشت برای متقین نزدیک کرده می شود».

خواهر مسلمان!

آیا این قول خداوند تعالی را نخوانده ای که:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾. (النور: ۳۱).

(معنی): «و به زنان مؤمنه بگو که چشمانشان را از نگاه ناروا بپوشند و فرج خود را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را بجز آنچه که قهرا ظاهر میشود آشکار نسازند و سینه و گردن خود را با پوشش سر خود بپوشانند».

یا آنکه از زینت خود، مگر آنچه را که امکان پنهان کردنش نیست، همانند ملباسی که هیچ زینت و نمائی ندارد، چیز دیگری را ظاهر نسازند. یک زن باید پوشش سر خود را بر سینه اش بیاندازد تا سینه و گردن خود را از انظار پنهان کند. بخاری از عائشه رضی الله عنها اینگونه روایت می کند که فرمود:

«يَرْحَمُ اللَّهُ نِسَاءَ الْمُهَاجِرَاتِ الْأُولَ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلْيُضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ شَقَقْنَ مُرُوطَهُنَّ فَأَخْتَمَرْنَ بِهَا».

(معنی): «خداوند زنان مهاجرین اول را رحمت کند. هنگامی که خداوند این آیه را نازل کرد: ﴿وَلْيُضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ پارچه های (عبا) خود را پاره کرده و از آن خمار و حجاب ساختند». (این حدیث را امام بخاری در صحیح خود روایت کرده است).
خواهر من! نگو که ما کجائیم و آنها کجايند، و چگونه می توان به مرتبه آنان رسید. شاعری می گوید:

فتشبهوا إن لم تكونوا مثلهم = إن التشبه بالكرام فلاح

(معنی): اگر مانند آنان نیستید لا اقل خود را به آنان شبیه سازید چون شباهت ورزیدن به کریمان عین رستگاری است.

خواهر من! آیا این قول خداوند در مورد زنان نبی (صلی الله علیه وسلم) که در مورد همه زنان عمومیت دارد را نشنیده ای که: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (الأحزاب: ۵۳).

(معنی): «اگر از آنان چیزی خواستید آنها را از پشت پرده بخواهید که این امر بر قلبهای شما و آنان پاکتر است».

باید از خواهران خود پرسیم برای قلوب چه کسانی پاکیزه تر است؟ برای قلوب همسران طاهره نبی الله (صلی الله علیه وسلم) که امهات المؤمنین (مادران مؤمنین) لقب یافته اند؟ یا برای اصحاب کرام رسول خدا که بهترین افراد امت را پس از او تشکیل میدهند؟ پس در مورد قلوب ما در این زمان و ایام پر از فتنه و فساد چه باید گفت؟

آیا کسیکه ترا خلق نموده و راه طهارت و پاکی ترا میداند همانند کسی است که آنرا نمیدانند؟!

خواهر من! خداوند می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾. (الأحزاب: ۵۹).

(معنی): ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به جلباب فرو پوشند که اینکار برای شناساندن آنها بهتر بوده و در نتیجه مورد آزار و اذیت قرار نخواهند گرفت و خداوند آمرزنده و مهربان است.

ابن عباس -رضی الله عنهما- می گوید: «این آیه دستوری است برای زنان مؤمنین تا اگر برای کاری از خانه خارج شدند صورت خود را با جلباب سر خود بپوشانند».

خداوند زنان مؤمنین را به این دلیل به این مسئله امر داده است که به ستر و عفت شهرت یافته و اهل سوء در آنان طمع نیاورند. پس خود ببینید و بنگرید که همه زنانی که در کوچه و خیابان مورد اذیت و آزار قرار میگیرند همه و همه از متبرجات و بی حجابی میباشند که از لباس عفت و اسلام بدر آمده اند.

خواهر من! در این آیه کریمه کمی تأمل کن:

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾. (النور: ۶۰).

(معنی): «و زنان سالخورده که از ولادت و قاعدگی باز مانده و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنها باکی نیست که حجاب خود را کنار

بگذارند در صورتیکه زینت خود را ظاهر نسازند و اگر هم عفت پیشه کنند و حجاب خود را به تن داشته باشند برای آنها بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است».

در اینجا خداوند می فرماید که حجاب برای پیرزنی که طمع ازدواج نداشته و زینت خود را نیز به نمایش نگذاشته است بهتر و افضل است. علی الرغم اینکه اجازه نمایان ساختن دست و صورت را به او داده است. حال اگر حکم در مورد پیرزنان بدینگونه باشد پس در مورد زنان جوان و دختران چه باید گفت؟

خواهر من! به سخن مادرت ام المؤمنین گوش فراده که از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می پرسد: قسمت پایین لباس زنان چگونه باید باشد؟ و حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) جواب می دهد: آن را یک واجب بر زمین رها کنند. و ام المؤمنین می گوید: در این صورت قدمهای آنان نمایان می گردد. و ایشان (صلی الله علیه وسلم) می فرمایند: آن را یک ذراع بر زمین رها کنند و بر آن نیافزایند.

سبحان الله!! مادران مؤمنین، بلندتر شدن دامن را از رسول خد (صلی الله علیه وسلم) طلب می کنند، و زنان ما روز بروز آن را کوتاهتر کرده و بقول معروف کیکشان هم نمی گزد؟!

و اما معنی حجاب چیست؟

حجاب عبارت است از ستر بدن، و عبارت است از مجموعه ای از احکام اجتماعی که به چگونگی وضع زنان در نظام اسلامی ربط داشته، و خداوند آن را تشریح نموده است تا برای حمایت زن قلعه ای شامخ بوده، و مجتمع را از فتنه ها نگاه دارد، و زن را در قالب و چهار چوبی منضبط

برای انجام وظیفه اش که همان ساختن نسلی و تأمین آینده است و به عبارت دیگر همکاری در پیروزی اسلام و تمکین دادن آن در کره ارضی آماده سازند.

* * *

نشانه هائی بر راه

خواهر من! این قول خداوند را به آن کسی که در التزام به حجاب متردد است هدیه می کنیم:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾. (الأحزاب: ۳۶).

(معنی): «اگر در مورد امری خداوند و رسول او حکم دهند دیگر هیچ مرد و زن مؤمنی حق انتخاب و اختیار ندارند و کسی که خداوند و رسول او را نافرمانی کند، به گمراهی سختی افتاده است.

و به کسی که کور کورانه مقلد دیگران بوده و بدون هیچ بصیرت و هدایتی گام بر می دارد این سخن رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) را گوشزد می کنیم که فرمودند:

«لا يكون أحدكم أمة يقول: أنا مع الناس، إن أحسن الناس أحسنت وإن أسأؤوا أسأت ولكن وطنوا أنفسكم إن أحسن الناس أحسنوا وإذا أسأؤوا تجتنبوا إساءتهم».

(معنی): «مبادا که یکی از شما دنباله رو مردم بوده و بگوید: من با مردم هستم اگر خوب شدند خوب می شوم و اگر بد شدند من هم بد می شوم. ولكن نفس خود را استقرار و اطمینان داده و اگر مردم خوب شدند

شما نیز به احسان رفتار کنید و اگر اسائن ورزیدند از اسائن آنان دوری جوئید».

و به آن کسی که به زبان حال خود می گوید: اگر در سرزمین کفار به حجاب در آیم همه مردم مرا به دیده تعجب می نگرند، و اما اگر از حجاب بدر آمدم، همانند یکی از آنها خواهم بود، و قیافه من کسی را به خود جلب نمی کند. می گوئیم: ای عالمه فقیهه، این اظهار شخصیت مسلمانی بخصوص در بلاد و سرزمین کفار، تو را به آن خوانده است، و هرگز کسی نمی تواند نص صریح و حکم روشن خداوند را زیر پا گذاشته و به اجتهاد و رأی خود دست یازی کند.

نکاتی مهم

خواهر من!

ای کسی که روبروی آن زن کافر با سرافکنندگی ایستادی و گفتی: بانوی من، ما علم آموختیم و از ما زنان بسیاری پزشک و ادیب شدند، و بسیاری روزنامه نگار. بسیاری از ما در کشور شما به آموختن علم و تعلیم مشغولند و اسلام هرگز ما را از چیزی مانع نشد.

بانوی من، دیگر میان مردان و زنان فرقی وجود ندارد. پس بانوی من

اکنون از ما راضی هستی؟

پس به زبان حال او این قول خداوند را برایش تلاوت می کنیم که:

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ

الْهُدَىٰ﴾. (البقرة: ۱۲۰).

(معنی): «یهود و نصاری تا اینکه ملت آنان را دنباله روی و تبعیت نکنی، از تو خوشنود نخواهند گشت. بگو که هدایت خداوند همان هدایت راستین است».

و کمترین رضایت آنان از تو این است که فقط در عبادت خود مسلمان بوده اما در عمل، ادب، سلوک، رفتار، لباس، افکار و سایر امور دنیای خود تابع آنان باشی.

و رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) چه زیبا می گوید که:

«لَتَبِعَنَّ سَنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ شَبْرًا بِشَبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ حَتَّىٰ لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرٍ ضَبٌّ لَاتَّبَعْتُمُوهُمْ قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ: آلِيَهُودَ وَالنَّصَارَى قَالَ: فَمَنْ؟» (رواه مسلم).

(معنی): «سنن و رفتار آنان که پیش از شما بودند را وجب به وجب و ذراع به ذراع دنباله روی خواهید کرد تا جائیکه اگر در سوراخ ضب (نوعی مارمولک صحرائی) داخل شدند، دنبال آنان شما نیز داخل آن خواهید شدید، دنبال آنان شما نیز داخل آن خواهید شد. پرسیدم ای رسول خدا، آیا منظور شما یهود و نصاری هستند؟ و ایشان جواب دادند: پس چه کسی دیگری؟». (روایت مسلم).

خواهرم! تو بایستی بصورتی شایسته به لباس اهتمام ورزی و برای خود شخصیتی داشته باشی. تو بایستی که در بذل جان و مال به خدیجه، در فقه دین به عائشه، و در صبر، نگاهداری و حفظ دین خداوند به آل یاسر اقتدا کنی.

خواهرم!

اگر دارای هیكلی زشت و صورتی نازیبا می بودی، آیا کسی حاضر می شد که فقط به این علت که زنی روشنفکر و دانا هستی، تصویرت را بر جلد مجله ای چاپ کند؟ آیا در این صورت کسی را می یافتی که از تو درخواست کند تا به بهانه خدمت نمودن به زنان، مهماندار هواپیما شوی؟ آیا کسی را می یافتی که جهت تبلیغ هر کالایی تصویر چهره ات را بر پوسترها چاپ کند؟ آیا کسی پیدا می شد که از تو بهانه کمبود وسائل تعلیم و تربیت دفاع کند؟ پس بدان که آنان فقط می خواهند از چهره زیبا و صدای لطیف تو بهره مند شده و لذت ببرند. پس هرگاه این خصال را در تو نیافتند، همانند کالائی کهنه و قدیمی که مدت صلاحیت آن به پایان رسیده است تو را رها می کنند و فراموش خواهی شد.

* * *

اخطار

رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «مَا تَرَكَ بَعْدِي فِتْنَةٌ أَضَرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ».

(معنی): «پس از خود هیچ فتنه ای پر ضررتر از زنان برای مردان بجا نگذاشتم» (این حدیث را بخاری و مسلم روایت نموده اند).
و دشمنان اسلام بخوبی این مسئله را درک کرده و دانسته اند که افساد کامل هر مجتمعی، با افساد و به اصطلاح آزادی زنان امکان پذیر می گردد.

یکی از سرکرده های جماعات میسیونری می گوید: جام شراب و یک زن خواننده، در تخریب امت محمد آنگونه اثری دارند که هرگز هزار

تانک از پس انجام آن بر نمی آیند پس آنان را در عشق به مادیات و شهوات غرق کنید.

و برادر دیگرش می گوید: «بر ما واجب است که زنان را بسوی خود جلب کنیم. هرگاه یک زن دستش را بطرف ما دراز کند، به نتیجه مطلوب رسیده ایم و لشکر انصار دین را از پای در آورده و از هم پاشیده ایم.

وعید

به همه کسانی که می خواهند هنرپیشه ها و خواننده های زن یعنی این تفاله های اجتماع را الگوی زنان مسلمان معرفی کنند، این اخطار را پیشکش می کنیم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾. (النور: ۱۹).

(معنی): «براستی کسانی که دوست دارند تا فحشاء در مؤمنان إشاعه پیدا کند در دنیا و آخرت عذابی دردناک کشند. و خداوند میداند و شما میدانید».

این وعید و انذار برای کسی است که می خواهد و دوست دارد. پس خود بگوئید برای کسی که به آن عمل می کند، چه وعید و سرانجامی در انتظار است؟

* * *

گروهی که رسول خداوند (صلی الله علیه وسلم) آنها را ندید و ما دیدیم

رسول خداوند (صلی الله علیه وسلم) فرمودند:

«صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ
وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُءُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ
الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا لِيُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةٍ كَذَا وَكَذَا». (رواه مسلم).

(معنی): «دو گروه از اهل آتش را من ندیده ام. قومی که شلاقهای
همانند دم گاو بدست داشته، و با آن مردم را می زنند، و زنانی لباس
پوشیده، و در حقیقت لخت، دور از راه حق، که سر آنها همانند کوهان
کج شده شتر است. آنها به بهشت وارد نمی شوند و هرگز بوی آن نیز به
مشامشان نمیرسد حال آنکه بوی بهشت از مسیرهای چین و چنان (کنایه
از بعد مسافت) به مشام می رسد».

این پیش بینی رسول خداوند (صلی الله علیه وسلم) هم اکنون به
وقوع پیوسته است، و آنان را به آن صورت وصف نموده است که گوئی
به آنها می نگری.

کاسیات عاریات: لباسی رقیق یا کوتاه بتن دارند که پوست بدن از
خلال آن پیدا است. پس اسما لباس نام دارد ولی در حقیقت پوششی
برای بدن نیست.

مائلات: از طاعت خداوند و حیا و ستر مائل و دور گشته اند. و راه
رفتن آنان نیز خالی از میل و اطوار نیست.

ممیلات: دیگران را با آرایش و زینت خود از طاعت خداوند و حیا و
عفت دور می کنند و دلهای مردان را بخود می ربایند.

رؤوسهن کأسنمة البخت: آرایش و فر موی سر آنان به صورتی است
که آن را به کوهان مایل شتر شبیه کرده است.

* * *

رساله ای به همه پدرها

خداوند سبحان می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (التحریم: ۶).

(معنی): «ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده خود را از آتش دور نگاهدارید. آتشی که سوخت آن مردم و سنگها بوده و بر آن ملائکه ای بسیار سخت و شدید مأمورند و هرگز نافرمانی خداوند را نکرده و آنچه به آنان امر دهنده انجام دهند.

و علی (رضی الله عنه) می گوید: «آنان را ادب و علم بیاموزید».
و قتاده می گوید: «آنان را به طاعت خداوند امر نموده و از معصیت او باز دارید».

ای پدر! در صورتیکه به تو گفته شود اگر به ساختمان چند طبقه ات بدقت رسیدگی نکنی، و عیوب آن را بازسازی و ترمیم نکنی، این عیوبها به سرعت افزایش یافته و ساختمان تو را به ریزش و تخریب تهدید می کند، چه می کنی؟ تو همه هم خود را جهت ترمیم و رسیدگی به این ساختمان صرف خواهی کرد. پس از تو می پرسیم جهت گردن نهادن به فرمان خداوند که تو را به دور نمودن دخترت از آتش دستور داده است چکار کرده ای؟

پدر گرامی! آن دخترانی که پرده حیا را دریده و در امثال اوامر الهی تکبر می ورزند و ما آنان را می بینیم و در مورد آنان می شنویم، هرگز از آسمان نیافتاده، و یا از زمین نروئیده اند. بلکه آنان از خانه تو و خانه برادر مسلمان تو بیرون آمده اند. پس ای برادر! تقوای خدا پیشه کن و

اهتمام خود را بیش از اینکه مخصوص به دنیای خود کنی، به دختر خویش معطوف دار. و مانند کسانی مباش که رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در مورد آنان می گوید: «لا یدخل الجنة دیوث». (معنی): شخص دیوث هرگز به بهشت وارد نخواهد شد. پس پرسیدند: ای رسول خدا! دیوث چه کسی است؟ و ایشان جواب داد: «الذی لا یغار علی محارمه». (معنی): کسی که در مورد محارم خود غیرت نمی ورزد. و در روایت دیگر: کسی که به خبث و پلیدی اهل خود راضی می شود.

مژده و نوید

به آن خواهر مسلمانم که در مقابل حملات سخت دشمنان ایستادگی نموده است. به کسی که تمسک و التزام او به دین خداوند مشتی مکرر و روزانه به چهره مدعیان آزادی است. به آن کسی که حیا و عفت خویش را سخت به دندان گرفته است. به آن قلعه شامخی که در مقابل طوفان باطل باشکوه تمام ایستاده است. به دختری که کتاب خداوند را بدست داشته و پرچم رسول خداوند (صلی الله علیه وسلم) را به اهتزاز در آورده است این قول رسول خداوند (صلی الله علیه وسلم) را هدیه می کنیم:

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «بَدَأَ الْإِسْلَامُ غَرِيبًا ثُمَّ يَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ» قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ الْغُرَبَاءُ؟ قَالَ: «الَّذِينَ يُصَلِحُونَ إِذَا فَسَدَ النَّاسُ». [رواه أحمد والترمذی و صححه الألبانی].

(معنی): «اسلام بی کس و غریب آغاز شد و باز به غربت و بی کسی باز خواهد گشت همانطور که آغاز شد پس طوبی (درختی در بهشت) برای غریبان». پرسیدند: ای رسول خدا! غریبان چه کسانی هستند؟ و

ایشان فرمودند: «کسانی که در زمان فساد مردم در جهت اصلاح میکوشند».

سلام خداوند که صابرين و مؤمنين را به آن بشارت داده است بر او باد.

﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (الرعد: ۲۴).

(معنی): «به سبب آن صبری که پیشه ساختید بر شما سلام و درود باد. و بهترین پاداش است بهشت».

* * *

شرایط حجاب شرعی

۱- حجاب بایستی همه بدن را ستر کند. چون خداوند می فرماید: ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ (الأحزاب: ۵۹). و جلباب همان لباس بلندی است که همه بدن را ستر می کند و اِذْنَاءُ به معنای رها ساختن و کشیدن است. در نتیجه حجاب شرعی همه بدن را می پوشاند.

۲- حجاب باید ضخیم بوده و رقیق و شفاف نباشد. چون غرض از حجاب همان ستر است. در نتیجه هنگامی که لباسی بدن را ستر نکند حجاب خوانده نمی شود. چون این لباس جلوی رؤیت را نگرفته و حجابی در مقابل انظار محسوب نمی شود.

۳- این لباس بخودی خود نباید زینتی بوده و دارای رنگهای جذابی باشد که انظار را بخود جلب کند.

چون خداوند می فرماید: ﴿وَلَا يُدْنِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾ (الآیة. (النور: ۳۱). و معنی: (ما ظاهر منها) آن است که بدون قصد و عمد باشد.

پس اگر خود این لباس زینت باشد نمی توان آن را پوشیده و حجاب نیز خوانده نمی شود. چون حجاب آن است که از ظاهر شدن زینت در مقابل اجانب جلوگیری کند.

۴- حجاب باید وسیع بوده و تنگ نباشد تا پستی و برآمدگیها بدن و اماکن فتنه در آن را مجسم نکند.

۵- لباس زن باید معطر نباشد تا سبب جلب مردان نشود: و حضرت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «الْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ بِالْمَجْلِسِ فَهِيَ كَذَا وَكَذَا يَعْنِي زَانِيَةً». رواه أصحاب السنن وقال الترمذی: حسن صحیح.

(معنی): «اگر زنی خود را به عطر آلوده و بر مجلسی بگذرد پس او اینگونه و اینگونه است. یعنی زناکار».

و در روایت دیگر: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا مِنْ رِيحِهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ».

(معنی): «هر زنی که خود را به عطر بیالاید و بر گروهی بگذرد تا بوی آن را به مشام بشنوند، آن زن زناکار است».

۶- در لباس نباید هیچ تشابهی به لباس مردان وجود داشته باشد. چون در حدیث ابی هریره (رضی الله عنه) اینگونه آمده است که «لَعْنُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لِبْسَةَ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةُ تَلْبَسُ لِبْسَةَ الرَّجُلِ».

(معنی): نبی (صلی الله علیه وسلم) مردی را که لباس زنان پوشیده و زنی که لباس مردان را بپوشد لعنت نموده است. (این حدیث را ابوداود و نسائی روایت کرده اند).

و در حدیث بخاری: «لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ
وَالْمُتَرَجَّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ». (معنی): رسول خدا -صلی الله علیه وسلم- مخنثین
از مردان، و مرد نمایان از زنها را لعن کرده است.
یعنی آنها که در لباس و قیافه خود همانند برخی از زنان این دور و
زمانه مشابهت می کنند.

و مخنثین از مردان مردانی هستند که در لباس، تکلم و دیگر مسائل
به زنان شباهت دارند. نَسَأَ اللهُ تَعَالَى الْعَافِيَةَ وَالسَّلَامَةَ.

* * *

خاتمه

یازده نصیحت

و در نهایت به تو ای خواهر مؤمن، یازده نصیحت گرانبها را تقدیم
می داریم تا به آن عمل کنی. و در اینصورت با سعادت خواهی زیست و
بالآخره با ستایش به رحاب پروردگار خویش خواهی پیوست. پس
همواره باید در این عملکرد خود از خداوند طلب استعانت نموده، و
مسائل این رساله را، با درک و فهمی صحیح دنبال کنی:

۱- خداوند یکتا را آنگونه که در کتاب گرانبهایش قرآن و توسط
فرستاده عالی مقامش محمد (صلی الله علیه وسلم) تو را امر نموده است
عبادت کن.

۲- از شرک در عقیده و عبادت خویش بر حذر باش و دوری کن
چون شرک همه اعمال تو را نابود ساخته، و موجب خسران خواهد
گشت.

۳- از انواع بدعت در عقیده و چه در عبادت خود پرهیز کن، چون بدعت پیامدی بجز گمراهی نداشته و صاحب بدعت در آتش جهنم خواهد سوخت.

۴- از نماز های خود به زیبایی و کمال تمام محافظت کن. چون هر آنکه بر نماز های خویش محافظت و تداوم داشته باشد، دیگر مسائل را نیز حافظ خواهد بود. و هر کسی که آنها را ضایع نموده و در انجام آن سهل انگاری کند، در حفظ دیگر مسائل نیز سست و سهل انگار خواهد شد.

۵- اگر ازدواج کرده ای همواره خواست همسرت را اجرا نموده، و در مقابل امر و نهی او عصیان مکن تا جائی که تو را به معصیت خداوند و رسولش (صلی الله علیه وسلم) دستور نداده باشد.

۶- همسر خویش را در غیاب و حضورش در نفس خودت و مال او حافظ کن.

۷- به همسایه ات با سخن نیک و کردار پسندیده احسان کن.

۸- ملازم خانه خود بوده، و بجز در هنگام ضرورت از آن خارج مشو، و در صورت خروج از خانه ات ستر و حجاب کامل خود را رعایت نموده و چهره و دستهای خود را بپوشان.

۹- به والدین خود احسان کن و آنان را با سخن و یا فعل خود آزار مده. و تازمانیکه تو را به معروف امر میدهند از آنان اطاعت کن، و اگر تو را به غیر معروف امر دهند اطاعت از آنان جایز نیست.

۱۰- اگر دارای فرزند هستی، در تربیت فرزندان خود کوشش کن و آنان را به راستی، نظافت، گفتار نیکو و کردار پسندیده عادت بده، و آنان را ادب و محاسن اخلاق بیاموز. فرزندان خود را در هفت سالگی به ادای نماز امر کن و در سن ده سالگی اگر در ادای نماز سستی نمودند آنها را تنبیه کن. و بستر خواب آنان را از یکدیگر جدا کن.

۱۱- در ذکر و صدقه کوشا باش.

وقای الله وإیاك كل سوء، وختم لنا بالحسنی والحمد لله أولاً وآخراً.. وصلى الله وبارك على سيدنا محمد وعلى آله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً.

* * *

رهنمودهایی در رابطه با چهره آرائی و آرایش زنان

اما بعد:

من از اینکه فرصتی برای این دیدار پیش آمد بسیار خوشحالم چون این دیدار، نتایج پر منفعتی برای من و شنوندگان و همچنین کسانی که ان شاء الله بعداً این سخنان را بصورت نوشته میخوانند در بر خواهد داشت. از خداوند خواهانم که اعمالمان را خالصانه برای وجه و رضای خود قرار دهد.

اما قبل از اینکه به اصل موضوع وارد شوم میخواهم کلماتی را عنوان کنم که ان شاء الله به عنوان این درس ارتباط داشته و در این مقام مناسبت زیادی دارد.

برادران گرامی! ما همه میدانیم که از بزرگترین نعمتهای خداوند این است که ما را به این دین هدایت نموده است. اسلام هر صاحب حقی را

از حق خود برخوردار ساخته و هر صاحب مقامی را در مقام خود جایگزین نموده است.

در مقام عبودیت و بندگی عبادت را فقط مخصوص خداوند قرار داد و او را از هرگونه شریک پاک و بی نیاز معرفی کرد. خداوند میفرماید:

﴿وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءُ﴾. (البینة: ۵).

(معنی): «و امر نشدند مگر برای آنکه خدا را با اخلاص کامل عبادت کنند، و فقط از دین او تبعیت کنند.

چون تنها خالق هستی او است پس عبادت نیز باید فقط برای او بوده و عمل نیز فقط برای او و قصد فقط بسوی او باشد.

خداوند در مقام معامله و رفتار میان خلق امر میکند که هر صاحب حقی از حق خود برخوردار گردد پس نفس انسان را حقی است که باید آن را از حشش برخوردار نمود. خویشاوندان نیز دارای حقی میباشند که باید این حق بجای آورده شود. دوستان و یاران نیز بر گردن شخص حقی دارند که نباید از آن محروم بمانند. فرد در زندگی خود با اشخاص بسیاری ارتباط دارد که باید حق شان ادا شود. در باب عهد و پیمان میان شخص و دیگران نیز خداوند به وفای عهد فرمان داده و از غدر و خیانت بر حذر میدارد. پس دین ما بحمد الله دینی است که به همه مکارم اخلاق دستور داده و به همینگونه نیز از همه زشتیها و رذائل نهی میکند.

پس هر کسی که تأمل نموده و به اسلام بیاندیشد در می یابد که این دین بهترین و استوارترین ادیان است. دینی که شایسته هر زمان و مکان بوده و برای مسلمانان فخر و عزت و کرامت به ارمغان میآورد. کسی که

به این مسئله کوچکترین شکی داشته باشد بایستی به تاریخ اسلام بنگرد. یعنی زمانی که مسلمانان ظاهرا و باطنا مسلمان بودند و زر و زندگی دنیا ایشان را بنده خود نکرده و در مقابل خداوند مغرور و متکبر نشده بودند. پس اکنون بر ما است که بخاطر این دین گرانبها و این نعمت بزرگ خداوند را شاکر و سپاسگزار بوده و شکر این نعمت را با عمل نمودن به سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) چه در ظاهر و چه در باطن و سر و آشکار بجای آوریم. خداوند می فرماید:

﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾. (محمد: ۳۸).

(معنی): «اگر روی گردانید قوم دیگر را بجای شما خواهد آورد و آنگاه آنان همانند شما نخواهد بود».

پس بر هر فرد عاقل است که بیاندیشد و با مقایسه ای ساده بفهد که همانگونه که نعمت امنیت در صورت کفران آن به خوف و ترس مبدل میگردد بهمانگونه نیز نعمت رزق اگر شکر گذارده نشود به گرسنگی و تنگدستی مبدل خواهد گشت.

اسلام از عزیز ترین وابستگیهای است که هر فرد مسلمان به وجود آن افتخار میکند. پس اگر مردم قدر این نعمت بزرگ خداوندی را ندانسته و از آن با چنگ و دندان دفاع نکنند و یا اگر این نعمت بزرگ خداوند را ندیده و از آن چشم بپوشند این دین از میان آنان رخت بر بسته و بسوی کسانی میرود که به آن ارج نهاده و قدر آن را بدانند.

پس ای برادر عزیز شما را به عدل در همه امور و موازنه بین آن توصیه میکنم. باید همه مسائل را در میزان گذاشت و حکم کفه برتر آن را

گرفت. و در صورت تساوی حکم به مساوی بودن آن امور داد. مسئله عنوان شده قاعده بزرگی است که هر عاقلی باید در مسیر خود بسوی خداوند و در مسیرش با بندگان خداوند بر آن گام نهاده و آن را عملی کند تا در اینصورت بتواند قسط و داد را قوام بخشد و خداوند نیز دادگران را دوست دارد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (المائدة: ۴۲).

بر شما است که حق همه اماناتی که به شما واگذار شده است را بجای آورید. هر فرد باید بهمانصورتی که از او خواسته شده است بدون هیچ کوتاهی و یا زیاده روی امانتهای خود را ادا کند. چون هرکس که امانتهای خود را ادا نموده و از عهده آنان برآید پیروز گردیده و رستگار شده است و هرکه در آن افراط ورزد و یا سهل انگاری کند زیانکار گشته و پشیمان خواهد شد.

بر رهروان راه حق و همه کسانی که میخواهند بندگان خدا را اصلاح نموده و آنان را بسوی خیر بخوانند واجب است که در اعمال خود خلوص نیت داشته و عمل خود را اصلاح کنند. چون هنگامی که نیت خالص گردیده و عمل با اجتهاد و کوشش و درنظر گرفتن مصالح و رفتار و سلوک اصلاح شود راه اصلاح و دعوت بسوی خیر نیز کوتاه شده و هدف نزدیکتر میگردد. و هنگامی که داعیان به این دو صفت یعنی اخلاص و اجتهاد و کوشش در اصلاح متصف گردیدند، درهای بسته باز شده، امور قوام یافته و راه اصلاح نیز هموار میگردد. و همچنین هنگامیکه

یکی از این دو صفت از بین رفته و یا کم ارزش گردد بهمان اندازه نیز امر اصلاح کم ثمر و تهی بار خواهد بود.

و نیز حکمت اقتضا میکند که در هنگام دعوت بندگان خداوند شخص به تصرفات و اعمال دیگران به دیده رحمت نگریسته و نصیحت گو باشد. چون خطا و لغزش افراد بجز کسانی که خداوند آنان را حفظ نموده و معصوم نگه داشته است اجتناب ناپذیر بوده و هر فردی بحکم ضرورت خطا میکند. اما حکمت اینگونه نیست که شخص فقط خطا و لغزشهای دیگران را دیده و از نیکی و راستی آنان چشم بپوشند. بلکه باید با دید و موازنه ای مساوی به هر دو مسئله بنگرد و در اصلاح لغزشها و اشتباهات بکوشد. چون مؤمنان همانند شالوده و بنیانی هستند که همه اجزاء آن در رابطه ننگاتنگ با یکدیگر قرار دارند و حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) با در نظر گرفتن این دو مسئله به این امر اشاره نموده و فرموده اند:

«لَا يَفْرُكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ مِنْهَا آخَرَ».

(معنی): «هیچ مؤمنی نبایستی مؤمنه ای را ترک کرده و از او جدائی کند چون اگر از یکی از رفتارهای او دلتنگ گشته و ناراضی گردد از دیگر رفتار او راضی و شاد خواهد شد». (این حدیث را مسلم و احمد روایت کرده اند).

و ممکن است که رفیق و یا ملازم تو در نظر تو مرتکب خطا و یا لغزشی شده باشد اما هنگامی که با او سخن گفته و مسائل را روشن میکنی در می یابی که تصرف او نادرست نبوده و خودت اشتباه میکرده

ای. در نتیجه بازنگری امور و مناقشه در مورد آن البته از روی خلوص نیت از بزرگترین اسباب اصلاح و پیشرفت میباشد.

پس ای برادر عزیز حکمت را شناخته و بر راه آن قدم بردار و همواره حق را به صاحب حق داده و هر صاحب فضل را از فضلش برخوردار کن. چون این طریق همان طریق حکمت است:

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (البقرة: ۲۶۹).

(معنی): «وهر کسی را که خداوند حکمت و دانش عطا کند خیر زیادی را بر او ارزانی داشته و این حقیقت را جز خردمندان متوجه نشوند».

برادران عزیز! پس از این مقدمه که از خداوند خواهانم آن را پر منفعت گرداند بیائید تا به بحث اصلی خود باز گردیم.

حتما شما میدانید که زن در قبل از اسلام از کالاهای بی ارزش بشمار میرفت و زنده به گور سپرده میشد.

خداوند میفرماید:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ * يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (النحل: ۵۸-۵۹).

(معنی): «از سوء این بشارت که دختری نصیب او شده است روسیاه گشته و بسیار ناراحت و دلتنگ میگردد. از زشتی این بشارت خود را با ذلت و خواری نگاه دارد یا اینکه زنده بگور بسپارد آگاه باشید که چه بد می پنداشتند».

و در جای دیگر میفرماید:

﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ (التكوير: ۹-۱۰).

(معنی): «و هنگامیکه از دختر زنده بگور شده پرسیده شود که به چه

گناهی کشته شده است»؟

و همچنین زن به عنوان جزئی از میراث میت به ارث برده می شد تا

اینکه اسلام جلو این مسئله را گرفت و خداوند میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا﴾ (النساء: ۱۹).

(معنی): «ای اهل ایمان بر شما حلال نیست که زنان را به زور و

اجبار به ارث برید».

و همچنین در صورت مرگ خویشان هیچ ارث و میراثی به او

نمیرسد تا اینکه خداوند نصیب او را از میراث تضمین نمود:

﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ
وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ (النساء: ۷).

(معنی): «برای مردان نصیبی از میراث والدین و خویشان است و برای

زنان نیز نصیبی از میراث والدین و خویشان است حال چه این مال کم

باشد و یا زیاد و سهم همه مشخص گردیده است».

و نیز نصوص زیادی در مورد توصیه زنان و مراعات حال آنان وارد

شده است. خداوند جل شأنه میفرماید:

﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (البقرة: ۲۲۸).

(معنی): «و زنان را حقوقی است بر شوهران همانگونه که شوهران نیز

بر آنان حقوقی دارند».

و در جای دیگر میفرماید:

﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (النساء: ۱۹).

(معنی): «و زنان را به نیکی معاشرت کنید».

و حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ

خَيْرًا».

(معنی): «زنان را گرامی بدارید». (این حدیث را بخاری و مسلم

روایت کرده اند).

و در جای دیگر فرمودند: «الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ».

(معنی): «دینا مالی است زود گذر و فانی. و بهترین سرمایه موجود

در آن زن صالحه و متدینه است». (این حدیث را مسلم و نسائی و احمد

روایت نموده اند).

حال میپرسم: یک زن به گردن شوهر خود چه حقی دارد؟

حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) جواب این سؤال را اینگونه

داده اند: «أَنْ تُطْعِمَهَا إِذَا طَعِمْتَ وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ أَوْ اكْتَسَبْتَ وَلَا تَضْرِبَ

الْوَجْهَ وَلَا تُقَبِّحَ وَلَا تَهْجُرَ إِلَّا فِي الْبَيْتِ».

(معنی): «اگر طعام خواست او را إطعام کنی و اگر لباس بخواهد به

او پوشانی و به صورت او ضربه ای وارد نکنی و او را زشت و قبیح

خطاب نکنی و از او دوری و جدائی نکنی مگر در خانه». (این حدیث را

ابوداود و ابن ماجه روایت کرده اند).

و از اموری که اسلام جهت رعایت زن و حفظ کرامت وی مطرح

نمود این بود که او را به این مزین شدن به مکارم اخلاق دستور داد. و از

جمله این مکارم اخلاق که محمد (صلی الله علیه وسلم) به آن مبعوث

گردید حیاء بود که ایشان (صلی الله علیه وسلم) آن را شعبه ای از شعب

ایمان معرفی کردند. و هیچکس نمیتواند انکار کند که حشمت زن و

آراسته شدن او به اخلاق که وی را از مواضع فتنه و شبهه بدور میراند از جمله اموری است که تشکیل دهنده همین حیاء میباشند. و بدون شک به حجاب در آمدن او و پوشانیدن صورت و مواضع فتنه بدنش بعلت سالم داشتن و دور نمودن او از فتنه ها از بزرگترین نمونه های حیاء و حشمت است که یک زن بدان آراسته میگردد. حجابی که یک زن آن را بعنوان پوشش بدن خود قرار میدهد باید تمامی تن و بدن او را کاملاً از افراد نامحرم بپوشاند. خداوند میفرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلْأَزْوَاجِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ﴾. (الأحزاب: ۵۹).

(معنی): «ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنین بگو که خویشان را به جلباب فروپوشند که این امر برای شناساندن آنها بهتر بوده و در نتیجه مورد آزار و اذیت قرار نخواهند گرفت.

و جلباب همان ردا و یا تنپوش واسعی است که تمام بدن را میپوشاند. و اینگونه است که خداوند به نبی خود امر میکند تا به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگوید: ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ و بدینصورت صورت و گردن خود را ستر نموده و بپوشانند.

با مراجعه به کتاب خدا و سنت رسولش (صلی الله علیه وسلم) و همچنین نظر از دیدگاهی صحیح و پس از موازنه امور اینگونه نتیجه می شود که بر یک زن واجب است که صورت خود را از مردان بیگانه و کسانی که از محارم او نبوده و همچنین شوهر او نیز نمی باشند بپوشاند. زمانی که بر یک زن واجب است سر خود را ستر نموده و پاهای خود را بپوشاند و همچنین قدمهای خود را محکم بزمین نکوبد، تا مبادا زینتهای

پوشیده شده او همانند خلخال و غیره آشکار گردند آیا عاقلانه است که بگوییم صورت زن جزو عورت او نبوده و ستر آن واجب نیست؟! حال آنکه فتنه حاصله از نمایان شدن صورت بارها سنگین تر از فتنه ای است که هنگام ظاهر شدن موئی از موهای سرش و یا ناخن از انگشتان پایش حاصل میشود؟ و هنگامی که یک فرد عاقل و مؤمن، به این شریعت و احکام و اسرار آن به دیده تأمل بنگرد اینگونه نتیجه میگیرد که نمی توان یک زن را ملزم به پوشانیدن سر، گردن، بازوان، و ساق و پا نمود سپس به او اجازه داد که دست و صورت آکنده از زیبایی و جمالش را همه جا آشکار ساخته و به همه بنمایاند. واقعا این مسئله خلاف حکمت است.

و کسی که به مصائب گریبانگیر مردم در این ایام بنگرد، در خواهد یافت که این مصیبتها به علت سهل انگاری مردم در مورد ستر صورت بوده است که باعث شده زن در مسائل دیگر نیز سهل انگاری کند. هنگامی که یک زن سر و گردن و سینه و بازوانش را در بعضی از کشورهای اسلامی بدون هیچ مبالاتی در معرض دید همگان گذارده و در بازارها به قدم زدن می پردازد آنگاه است که باید یقین نمود که پوشانیدن و ستر صورت زنان به مقتضای حکمت بوده است. پس باید به صراحت به زنان گفت که تقوای خداوند پیشه نموده و به حجاب واجبی که همه بدن آنان را از غیر شوهران و نامحرمانشان میپوشاند و هیچ فتنه ای بدنبال ندارد آراسته گردند.

و اگر به بدحجابی و چهره نمائی آنان به مردان و بیگانگان بنگریم در خواهیم یافت که این مسئله فساد بسیار زیادی را پشت سر دارد. و حتی

اگر مصلحتی نیز در برداشته باشد، این مصلحت در مقابل فساد ناشی از آن بسیار ناچیز بوده و اصلاً بشمار نمی آید. از جمله این مفاصد می توان از این امور نام برد:

۱- **ظهور فتنه**، چون هنگامی که یک زن چهره نمائی میکند در نتیجه مردان زیادی به او مفتون شده، و چه بسا که این زن جوان و زیبا نیز باشد و صورت خود را نیز به انواع زینت آرایش کرده و با مظهری دلربا در میان هر جمعی ظاهر شود، که این مسئله بخودی خود از بزرگترین عوامل شر و فساد بشمار میرود.

۲- **از بین رفتن حیا و شرمی** که از ضروریات فطرت یک زن بوده و از جمله شعب تشکیل دهنده ایمان بشمار میرود. شرم و حیای یک زن همواره شاخصی در شخصیت او بشمار می رفته و به آن ضرب المثل می زدند. عرب می گوید: «أحیی من العذراء فی خدرها». (با حیاتر از دوشیزه در پرده و چادرش). و زوال حیا در یک زن باعث نقص در ایمان او و خروج از فطرتی که به آن خلق شده است می گردد.

۳- **شدت تعلق و دلبستگی مردان نسبت به او**، و چه بسا که زیبا نیز بوده و خنده و تبسمی نیز بر لب داشته باشد. که آن را در بسیاری از زنانی که چهره خود را نمی پوشانند می توان مشاهده نمود که در این مورد گفته اند:

نگاهی و سلامی و کلامی و وعده گاهی و سپس ملاقات. و آنگاه است که شیطان در رگهای بنی آدم جریان می یابد و کار بالا می گیرد.

هنگامی که از موضع عبرت به این مسئله نظری افکنده شود، خواهیم دید که چگونه کلام و خنده و لبخند باعث دل بستگی قلب مردی به زنی، و یا زنی به مردی گردیده، و در نتیجه آن شری حاصل می شود که دفع آن هرگز میسر نیست. نسأل الله السلامة.

۴- اختلاط و آمیزش زنان با مردان. چون هنگامی که یک زن خود را در کشف چهره و آزادی آمد و شد با مردان مساوی می بیند، در هنگام این اختلاط و آمیزش شرم و حیا را فراموش کرده و در نتیجه آن فتنه ای بزرگ و فساد عظیم حاصل می گردد.

بسیار جای تأسف است که می بینیم اقوامی از این امت، همه مسائل وارداتی را بدور از تأنی و تفکر دریافت نموده، و بدون اینکه آنها را با شرع و عقل بسنجند، و ببینند که آیا این امور وارداتی با شریعت توافقی دارد یا نه، آنان را به اجرا می گذارند. آیا بهتر نیست که هر امری که به این امت وارد میگردد، با شریعت خداوند محک زده شده، و در صورت مخالفت آن با این شریعت مردود شمرده شده و از آن اجتناب گردد؟ همانگونه که جسم، میکروب و مرض را از خود دور نموده و از قبول آن خودداری می کند؟ آیا بهتر نیست مسلمانانی را که این مسائل را بدون هیچ فکر و تأملی در جامعه وارد نموده و دست بدست نقل می کنند نصیحت نموده تا شاید از این فساد دست بردارند؟

چون یک شخص مؤمن باید دارای شخصیتی قوی بوده تا دیگران از او تبعیت کنند نه اینکه به هر رسمی تابع دیگران باشد. او باید صالح و مصلح و دارای اراده ای سخت بوده و با طرز فکری آگاهانه با مسائل

برخورد کند. و حتی در صورتی که این مسائل وارداتی با شریعت اسلامی مان مخالفتی نداشت باز هم باید به آنان با دیده عقل نگریسته و نتایج بکار بستن آنان را در کوتاه و دراز مدت تحلیل و بررسی نمود. چه بسا که این مسائل در کوتاه مدت دارای آثار ملموسی نمود. چه بسا که این مسائل در کوتاه مدت دارای آثار ملموسی نبوده، اما در نتیجه عملی شده آنان با خطرات زیادی در آینده روبرو گردیم.

پس هنگامیکه خط مشی، اینگونه ترسیم گردیده و بر آن حرکت کنیم، آنگاه است که میتوان گفت ما با آگاهی کامل و در اتجاهی صحیح و سلیم گام بر می داریم و به اذن خداوند و موفق خواهیم نمود.

و از امور دیگری که باید از دیده شرع و عقل بازنگری شوند این است که بسیار پیش آمده است که میبینیم که دختر و یا زن جوان از خانه بسوی بازار راه می افتد در حالیکه لباسی فتنه انگیز و زیبا به تن دارد. این لباس، کوتاه و یا بلند است و پوشش آن عبائی است که ممکن است کوتاه و یا بلند باشد. و گاه نیز بادی وزیدن گرفته و آن را می گشاید. گاهی نیز خود دختر و به عمد آن را کنار می زند.

او بیرون می آید در حالیکه روبنده ای رخسار دارد اما این پوشش آنقدر نازک و رقیق است که براحتی میتوان رنگ پوست صورت او را توصیف نمود. و گاهی نیز این روبنده را آنقدر محکم به صورت خود می کشد که پستی و بلندیهای این چهره اش همچون بینی و گونه را می توان براحتی تشخیص داد. او دستبند طلایش را بدست می کند و پرده از

بازوان می گشاید تا این طلاها آشکار گردند. انگاری به همه مردم می گوید: آهای مردم بیائید ببینید که من چه به تن دارم!!!.

فتنه ای است بس بزرگ و محنتی بسیار عظیم. او خود را به عطری قوی می آلاید که بوی آن هر صاحب قلبی را به خود مفتون می کند. حال آنکه حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) فرمودند:

«وَالْمَرْأَةُ إِذَا اسْتَعْطَرَتْ فَمَرَّتْ بِالْمَجْلِسِ فَهِيَ كَذَا وَكَذَا يَعْنِي زَانِيَةً.»

(معنی): «اگر زن خود را به عطر آراسته و از مجلسی عبور کند، اینگونه و اینگونه است، یعنی زناکار». (این حدیث را ترمذی، ابوداود، نسائی، احمد و دارمی روایت نموده اند و ترمذی گفته است حسن صحیح است).

و همچنین رسول (صلی الله علیه وسلم) فرمودند:

«إِذَا شَهَدَتْ إِحْدَاكُنَّ الْمَسْجِدَ فَلَا تَمَسَّ طَبِيبًا.»

(معنی): «هنگامی که یکی از شما زنان، از خانه بسوی مسجد بیرون شد، پس بخود عطر نزنند». (این حدیث را امام مسلم در صحیح خود روایت کرده است).

آری او از خانه بیرون شده و باگامهایی سخت بسوی بازار راه می افتد. همانگونه که قویترین مردان پای بر زمین می کوبند. انگار می خواهد همه مردم قوت و نشاط او را دریابند. گاهی نیز مصاحب و دوستی از دختران دیگر بهمراه دارد و میتوان صدای خنده و شوخی آنان را براحتی شنید. گاهی نیز عمدا این یکی به آن یکی طعنه ای می زند تا بهانه ای برای خنده دست دهد. آنگاه به فروشگاههای وارد می شوند و برای خرید جنسی بازو و دستهای خود را بیرون می اندازند. صاحب

دکان نیز فرصت را غنیمت می شمرد و مزه پرانی را شروع می کند و گاهی با خنده و گاهی با شوخی سخنان یکدیگر را پاسخ می گویند. مسائلی از این قبیل بسیار زیادند که همه و همه از اسباب فتنه بوده و باعث خطری عظیم و بروز سلوک و رفتاری زشت میگردند که از رهنمودهای اسلام و طریقت امت اسلامی بدور است. خداوند در مورد زنان حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) که الگوی زنان جهان می باشند می گوید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (الأحزاب: ۳۳).

(معنی): «و در خانه هایتان بنشینید و بدن خود را همانند دوران جاهلیت پیشین نمایان نکنید».

و حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) میفرماید: «لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ».

(معنی): «زنان را از بین رفتن به مساجد منع نکنید و خانه های آنان را برای آنان بهتر است».

خانه های آنان از چه چیز برای آنان بهتر است؟ از مساجد خداوند. در نتیجه خروج آنان به بازارها را چگونه می توان توجیه نمود؟ (این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده اند).

این حدیث بر این امر دلالت می کند که یک مرد می تواند زن را از خروج بجز بقصد مساجد منع کند و بنابر این مسئله هیچ گناهی بر او مترتب نمی گردد. اما منع نمودن یک زن از زینت و آرایش و استعمال عطر و چهره گشائی و نمایاندن صورت از واجبات یک مرد است، و او مسئول بوده و روز قیامت در این مورد از او سؤال خواهد شد. هنگامی

که میبینیم یک پیر زن از زینت و تبرج و آرایش منع شده است پس چگونه می توان به یک زن و یا دختر جوان همواره محل فتنه می باشد، اجازه داد تا دست به این اعمال بزند؟ و خداوند می فرماید:

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (النور: ۶۰).

(معنی): و زنان سالخورده که از ولادت و قاعدگی بازمانده و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست که حجاب خود را کنار بگذارند در صورتیکه زینت خود را ظاهر نسازند و اگر عفت پیشه گیرند، و حجاب خود را به تن داشته باشند برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و دانا است».

و همچنین می فرماید:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (النور: ۳۱).

(معنی): «و پای محکم بر زمین نزنند تا زینت و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود». که منظور همان خلخال است که زن به پای خود می بندد و در زیر لباس وی پنهان است. و در صورتیکه پاهای خود را سخت به زمین بکوبد صدای خلخال که زینت پای یک زن بوده و در زیر لباس پنهان است بدینگونه نهی شده است، پس در مورد زنانی که بازوهای خود را برهنه کرده تا زینت دستهایشان نمایان گردد چه حکمی می توان داد؟

براستی که فتنه نگاه و مشاهده بارها سنگینتر از فتنه صدای خلخال و

شنیدن آن است. و حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم):

«صِنْفَانِ مِنَ أَهْلِ النَّارِ لَمْ أَرَهُمَا قَوْمٌ مَعَهُمْ سِيَاطٌ كَأَذْنَابِ الْبَقَرِ يَضْرِبُونَ بِهَا النَّاسَ
وَنِسَاءٌ كَاسِيَاتٌ عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُءُوسُهُنَّ كَأَسْنِمَةِ الْبُخْتِ الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ
الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيحَهَا وَإِنَّ رِيحَهَا لِيُوجِدُ مِنْ مَسِيرَةٍ كَذَا وَكَذَا».

(معنی): « دو گروه از اهل آتشند که من تا هنوز آنان را ندیده ام. یکی از آنان قومی هستند که شلاقهائی مانند دم گاو بهمراه داشته، و مردم را با آن می زنند، و گروه دیگر زنانی هستند پوشیده، ولی در حقیقت لخت و عریان، دور و مائل از راه حق، و دور کننده دیگران از راه حق، سرهای آنان همانند کوهان شتر است و بهشت وارد نمی شوند و حتی بوی آن نیز به مشام آنان نمی رسد و بوی بهشت از این مسیر و آن مسیر بمشام میرسد (کنایه از بوی قوی آن است)». (این حدیث را امام مسلم و امام احمد روایت کرده اند).

این زنان را حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) به کاسیات معرفی نموده است، چون تن پوش به تن دارند. ولی در عین حال آنان را عاریات معرفی می کند چون این تن پوش به علت نازکی و یا تنگی و یا کوتاهی بدن را ستر نمی کند و آنان را در حقیقت لختند. و سرهای آنان نیز به این صفت ذکر شده است، که نمونه آن را امروزه براحته می توان در کوچه و خیابان مشاهده نموده و آرایشهای عجیب و غریب موی سر را بر این زنان دید.

برادران عزیز! اختلاط زنان با مردان و آمیزش آنان با یکدیگر شری است عظیم و بلائی بس بزرگ، که در این ایام همه جا رایج است. بعنوان نمونه می توان از فروشگاهها نام برد که این اختلاط در آنان شکلی بسیار

رایج بخود می گیرد. باید دانست که این مسئله خلاف شرع و خلاف روش و طریق سلف صالح می باشد.

هنگامی که در یکی از روزها حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) از مسجد بیرون آمدند و بصورتی تصادفی اختلاط میان زنان و مردان در کوچه رخ داده بود ایشان رو به زنان کرده و فرمودند:

«اسْتَأْخِرْنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكُنَّ أَنْ تَحْقُقْنَ الطَّرِيقَ عَلَيْكُنَّ بِحَافَاتِ الطَّرِيقِ».

(معنی): «کنار بروید چون شما نباید از وسط راه گذر کنید بلکه همواره باید از اطراف و کناره های راه عبور کنید». (این حدیث را ابوداود در سنن خود روایت کرده است).

در نتیجه یک زن آنقدر خود را کنار می کشید که حتی به دیوار کناره راه می چسبید و لباسش با آن در تماس بود.

حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) در مواضع بسیاری اختلاط زنان با مردان راه هشدار داده است. حتی در اماکن عبادت. ایشان فرمودند:

«وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَشَرُّهَا أَوْلَاهَا».

(رواه مسلم و ابوداود والترمذی والنسائی وابن ماجه وأحمد).

(معنی): «بهترین صفوف نماز برای زنان آخرین صفوف و بدترین آنها اولین آن است».

براحتی دلیل این گفته را می توان دریافت و دانست که دلیل بهتر بودن آخرین صفوف برای زن، به دوری و بُعد این صفوف از مردان و اختلاط و رؤیت آنان است. و این نشانه ای است واضح براینکه شرع همواره کوشیده است که زن را از مردان دور نموده و از اختلاط آنان

جلوگیری کند. و براستی که تمسک به این طرز فکر خیر زیادی را بدنبال خواهد داشت. پس برازنده است که یک زن ملازم خانه خود بوده همانگونه که خداوند می فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾ (الأحزاب: ۳۳). و به هر بهانه ای راهی بازار و خیابان نشود.

این مسئله ممکن است در ابتدای امر کمی مشکل باشد، اما بالاخره آنان به آن خو گرفته و تبدیل با حجاب و پرورش دهندگان حیا و شرم و زینت خانه می گردند. بر اولیاء امور واجب است که در این مورد سهل انگاری را کنار گذاشته و به واجبات خود یعنی رعایت و امانت که خداوند آنها را بدان مأمور داشته است عمل نموده تا بدین طریق امور آنان اصلاح یافته و از فتنه و بلا دور گردند.

خداوند تعالی می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (التحریم: ۶).

(معنی): «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را از آتش دور نگاهدارید. آتشی که سوخت آن مردم و سنگها بوده و بر آن ملائکه ای بسیار سخت و شدید مأمورند و هرگز نافرمانی خداوند را نکرده و آنچه به آنان امر شود انجام دهند».

ای برادر عزیز! شما که اولیاء امور زنان هستید، در نزد بسیاری از مردم شایع شده است که به دختران خود لباس کوتاه و تنگ می پوشانند. بصورتی که همه اجزای بدن را نمایان می سازد. و این لباس گاهی آنقدر نازک است که رنگ پوست یک دختر را نیز می توان تشخیص داد. پس این افراد باید بدانند کسی که دخترش را اینگونه لباس می پوشاند و به

این طرز لباس پوشیدن افتخار می کند در حقیقت آنان را لباس اهل جهنم پوشانیده است همانگونه که حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) در حدیث صحیح می فرمایند:

صنغان من أهل النار...

و ذکر آن قبلا به میان آمد پس باید پرسیم که ای پدر مسلمان: آیا راضی می شوی که دختری و ثمره قلبت از اهل آتش باشد؟ آیا رضایت می دهی که او را با پوشانیدن اینگونه لباسها از حیا عریان سازی، حال آنکه حیا درجه ای از درجات ایمان است؟ آیا راضی می شوی که دختری را همانند اجناس نمایشگاهها در معرض دید هر کس و ناکس بگذاری؟ آیا رضایت می دهی که از عادات نیاکانت که همان عادات و آداب قرآن و سنت است چشم پوشیده و روش و مسلک قومی را در پیش بگیری که همواره پیرو یهود و نصاری و بت پرستان و بندگان طبیعت بوده اند؟ آیا نمی دانید که این قوم که در دریای این تمدن پوشالی غرق شده و این تن پوش لخت را بر دختران خود لباس دانسته اند هم اکنون در امواج فساد این دریا دست و پا زده و نجات و خلاص از نجاست این به اصطلاح تمدن را آرزو می کنند؟

آری این افراد نتیجه و میوه فساد این کردار را چیده و مزه تلخ آن را چشیده اند. پس برادران عزیز! اگر هرچه سریعتر جلو اینگونه لباسهای دروغین گرفته نشود این تنپوشها به سرعت در همه انحاء شهر و دیار انتشار یافته و همانند آتش، صالح و فاسد را با هم دربر می گیرد. آتشی که می توان در ابتدای امر جلوی آنرا گرفته و از شعله های آن رهایی

یابی. اما اگر آن را به حال خود واگذاری، لهیب شعله اش فراگیر شده و تر و خشک را با هم میسوزاند و تو نیز نمی توانی در مقابل سوزش آن مقاومت کرده و یا از آن فرار کنی چون بسیار از تو و قدرت تو بزرگتر خواهد شد.

بسیاری از مردم نیز حجت‌های ناصحیحی را بهانه ساخته و می گویند: ما دختران خود را شلوار بلند پوشانیده ایم. اما این استدلال به عذر بدتر از گناه می ماند. چون این شلوارها آنقدر تنگ و چسبان است که حجم باسن و اندازه اجزاء بدن را بخوبی نمایان می سازد. از خلال این به اصطلاح شلوارها بند بند مفاصل یک دختر را می توان دید و فهمید که آیا این دختر لاغر و یا چاق است.

و برادران من این امر باعث اغوای نفوس افرادی خبیث و شریر می گردد تا تشنگی شهوت خود را با نگاه و گاهی نیز اموری دیگر سیراب سازند. و دختر را در زمره کسانی در می آورد که حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) در باره آنان فرمودند: «کاسیات عاریات».

بسیاری نیز می گویند این دختر هنوز کم سن و سال است و بر عورت او حکمی نیست. اما باید دانست که این گونه دلیل تراشی باعث مباح بودن اینگونه اعمال نمی گردد چون همین دختر کم سن و سال را هنگامی که در این سن و سال را هنگامی که در این سن و سال را هنگامی که در این سن کم اینگونه لباس پوشاندی، به آن الفت و انس گرفته و در سنین جوانی همین لباسها جزئی از وجود او خواهد گشت. آری پوشیدن اینگونه لباسها بخصوص در سنین کم باعث از بین رفتن حیای او شده و بدن نمائی برای او به

عادتی بدل می گردد که هیچ گونه زشتی و قباحتی ندارد. و هنگامی که این مواضع بدن همانند ران و ساق از ابتدای امر مستور بمانند، این امر باعث می شود که در سنین بالاتر کشف آن بسیار سنگین و زشت جلوه کند. و هنگامی که این مواضع از بدن از سنین کودکی در معرض دید همه باشد، بنا به عادت در سنین بالاتر کشف آن برای دختر هیچ زشتی و قباحتی ندارد. چون همه می دانیم که یک مسئله هر قدر هم که سنگین باشد در صورتی که انسان به آن عادت کرده و خو گیرد، سنگینی آن از بین رفته و بصورت امری عادی جلوه گر خواهد شد.

می بینیم که هم اکنون همین لباسها را دخترانی به تن می کنند که به سن بلوغ رسیده و حجاب بر آنان واجب گشته است. چون یک دختر هنگامی که به سنی می رسد که نگاه متوجه او گشته و نفوس مجذوب او می گردند آنگاه است که باید به حجاب درآمده و از انظار مخفی بماند.

امام زهری رحمه الله که از ائمه تابعین است می گوید:

«نگاه کردن به دختری که نظرها را به خود جلب می کند، حتی در

صورت کم سن بودن او هرگز درست نیست».

اما اکنون ببینیم که چگونه می توان در مقابل سیل اینگونه ملبس مقاومت نمود؟ این امر در صورتی امکان دارد که انسان به دیده عقل و انصاف به منافع اینگونه لباسها که هیچ گونه نفعی ندارند و همچنین مضرات آن بنگرد. پس اگر به ضررهای این لباسها قانع شد، آنگاه است که او خویشاوندان و نزدیکان را که توانائی امر و نهی به آنان را دارد از پوشیدن آنها منع کند و همه را به مضرات این لباسها هشدار دهد. او باید

این لباسها را در نزد دختران کم سن و سال تقبیح نموده و از آن عیب و ایراد بگیرد. و به این صورت است که کراهت اینگونه لباسها در نفس این بچه ها متمرکز شده تا جایی که اگر آن را به تن کسی ببینند، احساس می کنند این شخص معیوب است.

برادران عزیز! مسئله زنان به مرور زمان تبدیل به مشکل بزرگی شده است که هرگز نمی توان در مقابل آن سکوت کرده یا از آن چشم پوشید. چون اگر امور به همین منوال ادامه پیدا کند، عواقب وخیمی دربر خواهد داشت که همه مردم قربانی آن خواهند شد. آیا کسانی که در مقابل خانواده ها و شهر و دیار خود مسئول اند به فکر می آیند؟ آیا آنان نمی دانند که لا اقل مسئولیت خانواده خود را بعهدہ دارند؟ آیا این شخص نمی تواند زن، دختر، خواهر، و نزدیکانش را همانند مردان انصار در هنگام نزول سوره نور نصیحت کند؟ آیا این مرد نمی تواند از خروج زن خود مگر در صورت ضرورت ممانعت کند؟ آیا او نمی تواند در صورت خروج اضطراری زنان آنان را از آرایش و زینت و استعمال عطر منع کند؟ آیا کسی که خویشان و یا خواهر دانشجو دارد نمی تواند به آنها بگوید تا دختران دانشجوی دیگر را نصیحت نموده و در بیدار سازی و دعوت آنان نقشی داشته باشند و آنان را از زشتی و شر ولگرد در بازار، آن هم با زینت و آرایش برحذر دارند؟

همه این امور در صورتی که شخص پروردگار خود را تصدیق نموده و نیت خود را خالص و عزم خود را جزم نماید نه تنها امکان پذیر بلکه بسیار نیز آسان است.

برادران عزیز! شمه ای از توجیحات خداوند سبحان و رسول او (صلی

الله علیه وسلم) را جهت اطلاع بر میخوانیم و خداوند میفرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (الأحزاب: ۳۶).

(معنی): «و هیچ مرد و زن مؤمنی در کاری که خداوند و رسول او

حکم دهند اختیار و اراده ای ندارند و هرکس نافرمانی خدا و رسول او را بکند به گمراهی سختی افتاده است».

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ (النساء: ۶۹).

(معنی): و آنکه خدا و رسول او را اطاعت کند پس با کسانی که

خداوند به آنها نعمت فراوانی داده یعنی پیامبران، صدیقان، شهداء و صالحین محشور خواهد شد و چه نیکو رفیقانی هستند آنان».

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرَابَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (النور: ۳۰ - ۳۱).

(معنی): «مردان مؤمن را بگو تا چشمانشان را از نگاه ناروا بپوشند و

فروج (شرمگاهای) خود را حفظ کنند که این برای پاکیزگی آنها بهتر

است و براستی خداوند بر آنچه آنها انجام می دهند آگاه است. و به زنان

مؤمنه بگو تا چشمان شان را از نگاه ناروا بپوشند و فروج (شرمگاهای) خود را حفظ کنند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهرا ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند. و باید سر و سینه خود را به خمار بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود و پدران خود و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادران خود و پسران خواهران خود و زنان مسلمان و کنیزان خود و خدمتکاران مردی که به زنان میلی ندارند (خاجه) و یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زن آگاه نیست. و پای بر زمین محکم نزنند که زینت پنهان آنان آشکار شود و همه به درگاه خداوند توبه کنید باشد که رستگار گردید».

اینها توجیحات اسلام بود، حال بینیم که راه و روش اهل اسلام چگونه است.

ام سلمه رضی الله عنها میگوید: «هنگامی که این آیه نازل ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ﴾ زنان انصار بگونه ای خارج شدند گوئی که بر سر آنها کلاغ نشسته است که نشانه سکینه و آرامش کامل بود. و همه تنپوشی سیاه بتن داشتند».

و عائشه رضی الله عنها میگوید:

«هرگز همانند زنان انصار کسی را ندیده ام که اینگونه کتاب خداوند را تصدیق نموده و به تنزیل آیات آن مؤمن باشند. هنگامی که این آیه سوره نور نازل شد: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ هر مردی بسوی همسر و دختر و خواهر و خویشاوندان خود روانه شد و این آیات را بر

آنها تلاوت کرد. و هر کدام بلافاصله با شنیدن این آیات پارچه ای را که در اختیار داشت بدور خود پیچید که نشانگر تصدیق و ایمان آنان به آیات منزله در کتاب الله بود».

آیا نباید این توجیهاات اسلامی را با جان و دل در آغوش کشید و از راه و روش اهل اسلام عبرت گرفت؟ آیا نباید تقوای خداوند را پیشه کرد؟ آیا نباید علل کجروی بسیاری زنان و انحراف آنان از طریقت اهل اسلام را دریافت و آنان را به اصلاح سلوک و سیر بر طراط مستقیم خداوندی ملزم نمود؟ و در نتیجه آنگاه است که مجتمع ما می تواند در مردان و زنان خود و در عبادتها و اخلاق خود، یک مجتمع اسلامی باشد. و مبادا آنان که به خداوند و روز قیامت ایمان ندارند شما را به این رفتار و کردار خود مغرور سازند. و باید دانست که این آرایش و تزین و لباسهای کوتاه و تنگ به تقلید از آنان ساخته شده است. و دشمنان شما بخوبی می دانند که اگر شما را به صراحت به کفر دعوت کنند، شما هرگز کافر نمی شوید و نیز اگر شما را به شرک دعوت کنند، به هیچ عنوان مشرک نخواهید شد. پس آنان از راه دیگری وارد شده اند، و می خواهند اخلاقیات و دین شما را از طریق دیگری نابود کنند که همان (محقرات الذنوب) یا گناهان کوچک میباشند. آری آنان این گناهان را در چشمان شما کوچک جلوه داده و شما نیز آنان را کوچک شمردید و به انجام آن تن در می دهید و بالآخره همین گناهان اند که انسان را راهی آتش می کنند. حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) می فرمایند:

«إن الشيطان قد أيس أن تعبدوا الأصنام في أرض العرب ولكنه في سیرضي منكم

بدون ذلك بالمحقرات وهي الموبقات يوم القيامة».

«براستی که شیطان از بت پرستی شما در سرزمین عرب مأیوس گردیده است اما به امری کوچک تر از آن بر شما رضایت می دهد که همان گناهان کوچک است حال آنکه همانها هلاک کنندگان روز قیامت اند».

پس برادران عزیز! هرگز فریب چیزهائی که دشمنان شما به شما پیشکش می کنند را نخورید. و شما باید از این دو راه یکی را انتخاب کنید:

یا اینکه در دین خود استوار بوده و با صلابت خود نیرنگ و کید دشمنان را دهم شکنید و دارای قوت و شخصیت اسلامی بوده و دنباله روی آنان نباشید و به آنان مغرور نشده و راه و رسم نیاکان خود را بگیرید تا به خیر دنیا و آخرت نائل گردید و یا اینکه بر عکس - نسأل الله السلامة - شخص در دین خود سست و در شخصیت خود ضعیف بوده و در مقابل هر اغوا و شهوتی ازهم بپاشد و از زیانکاران باشد:

﴿قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (الزمر: ۱۵).

(معنی): «بگو براستی زیانکاران آنان هستند که خود اهل خود را در قیامت از دست داده و به عذاب جاودان در افتند این همان زیان است که بر همه آشکار است».

و حضرت رسول (صلی الله علیه وسلم) می فرماید:

«من تشبه بقوم فهو منهم».

(معنی): کسی که خود را به قوم دیگری شبیه سازد، او از همان قوم

است».

آری ای برادران هنگامی که ما به هرچیز جدیدی دل بسته و رسوم و تقالید وارداتی دیگران را دنباله روی کنیم، بالاخره کار به جایی می رسد که در گمراهی، اخلاق، عقاید و افکار نیز مقلد آنان خواهیم شد. پس هر شخص باید حافظ عادات و تقالید خویشان خود باشد مگر اینکه این عادات با شریعت تضاد و تصادم داشته باشد. و بر هر مسلمان واجب است که دین خود را عزیز شمرده و به آن افتخار کند، و به حدود و قوانین خداوند و رسولش (صلی الله علیه وسلم) بسنده نماید. همان قوانینی که زینت خلق بوده و خداوند شایسته بندگان خود می داند و احداث هرگونه افزونی و کاستی در آن جایز نیست. هر فرد باید امور خود را بر دنباله روی کتاب خداوند و سنت رسولش (صلی الله علیه وسلم) بنا نهاده و از ابتداع و نوآوری بدور باشد. او باید زندگی خود را بر اخلاص بنا نموده و از اشراک بدور باشد. باید از قوانین محبوب رحمن تبعیت نموده و از امور محبوب به شیطان برحذر باشد. و همچنین بر فرد مسلمان واجب است که همانند پرچم جهت وزش هر بادی را دنباله نکند، و شخصیت خود را بر اساس شریعت خداوند سبحان پایه گذاری کند تا در دنیا و آخرت به عزت و کرامت نائل گردد.

و خداوند را به اسماء و صفات نیکش مسئلت می کنم که همواره به ما حق را بصورت حق بنمایاند تا از آن پیروی نموده، و باطل را بصورت باطل آشکار کند، تا از آن دوری کنیم. و از ما اشخاصی بسازد که هدایت شده و سبب هدایت دیگران گردیم. و از او جل و علی خواهانیم که دلهای ما را به نور علم و ایمان روشن گردانیده، و علم ما را وبالی بر

گردنمانسازد. از او می خواهیم که اعمال ما را خالصانه جهت وجه کریم
خود و رضایش قرار داده و از این امت نسلی بسازد که به احکام خداوند
آگاه بوده و از حدود و قوانین او محافظت نموده و به اوامر خداوند
پایدار باشند تا بتوانند هدایتگر بندگانش باشند. *إنه جواد کریم.*
الحمد لله رب العالمین و صلی الله وسلم علی نبینا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

